

### بیشتری حاصل شده است.

در دو سال گذشته جشنواره سختی داشتیم و خیلی از هنرمندان به جشنواره نیامدند. به نظر ما امسال می‌توانیم شاهد حضور گسترده‌تری از هنرمندان شرکت‌کننده باشیم و در بخش‌های مختلف موفق‌تر عمل کنیم. ضمن این که بخش نواحی و پاپ در قیاس با دیگر بخش‌های جشنواره در دو سال گذشته همه جور پای کار بوده‌اند، در حالی که بعضی از گروه‌های ملی و موسیقی دستگامی که شناخته شده هم نبودند در جشنواره حضور نیافتند. ما موظفیم که ۶۰ درصد از جشنواره را به بخش موسیقی دستگامی و ملی که جوانان مستعد و استادان چیره‌دست در قامت تکنوازی، گروه‌نوازی و ارکسترال را در این بخش فعالیت دارند اختصاص دهیم.

### به نظر تان می‌شود بخش‌های تازه تری را هم به جشنواره اضافه کرد؟

این مسئله در فهرست برنامه‌های آتی قرار دارد و قصد داریم بخش‌های دیگری مثل موسیقی مدرن، موسیقی فیلم، تلفیقی و... را به جشنواره اضافه کنیم. همان‌طور که از سال گذشته به تقویت بخش پژوهشی پرداختیم. اما در نظر داشته باشید که اضافه کردن هر کدام از این بخش‌ها، نیازمند تامین بودجه است. بخش بین‌الملل باید زودتر از این‌ها کار خود را شروع می‌کرد، چون استعلام هنرمندان خارجی زمان می‌برد. خود من هم به تازگی حکم گرفته‌ام، باین که تمایلی نداشتیم امسال دبیری جشنواره را به عهده بگیریم، چون بر این باورم دبیر جشنواره باید اختیار تام داشته باشد تا تصمیماتش اجرایی تر شود. در صورتی که بارها در اختتامیه برنامه‌ای گنجانده شده که نگاه کلان دبیر نبوده و اساساً ایده آل‌های دبیر پذیرفته شده نیست. تا زمانی که چنین نگاه‌هایی وجود دارد جشنواره موسیقی فجر پیشرفت نخواهد کرد. در کشورهای دیگر برای فیلم، موسیقی، تئاتر و هنرهای تجسمی جدی هزینه‌ها می‌شود و دولت کاری ندارد که این هنر مخاطب دارد یا نه، بلکه خود را موظف به حمایت می‌داند. در کشور ما هم مدیران و وزارتخانه‌ها باید طراز جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر را در نظر بگیرند و از این سطح پایین‌تر نیایند تا این مسئله باعث نشود جشنواره‌ای را به صرف ایجاد نشاط و شادی بر گزار کنیم بی آن که محتوایی از آن استخراج شود و این مسئله به دلخوری و دور شدن بیش از پیش موسیقیدانان جدی منجر شود و آنها جذب دآوری کشورهای همسایه شوند. نمونه آن کشور آذربایجان است که هر سال، یک یاد داور ایرانی را برای حضور در رویدادهای خود می‌برد که خیلی هم خوب است، اما ما هم باید نقشمان را درست ایفا کنیم تا هنرمندانمان در جشنواره‌های داخلی فعالیت پر رنگی داشته باشند. این نگاه هم مختص من نیست، تمام دبیران دوره‌های گذشته جشنواره چنین نگاهی داشته‌اند؛ چه بسا جدی‌تر، ولی حوزه اختیارشان مثل من محدود بوده است. چرا هنرهای تجسمی باید دبیر کل داشته باشد ولی در موسیقی چنین عنوانی را برای دبیر جشنواره نداریم. یا چرا در وزارتخانه باید مرکز هنرهای تجسمی و نمایشی باشد، ولی در موسیقی، دفتر موسیقی؟! دفتر موسیقی که در دهه ۶۰، مرکز سرود و آهنگهای انقلابی بود در دهه ۸۰ به مدیر کل مرکز موسیقی تبدیل شد و دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد به دفتر موسیقی تغییر نام داد. تا زمانی که نگاه کوچک به موسیقی کلان کشور وجود داشته باشد، نباید انتظار بر پای یک جشنواره بالنده را داشته باشیم و دبیر جشنواره هر چقدر هم که در کار جدی باشد کاری از دست او بر نمی‌آید. ایده‌های زیادی برای هر دوره از جشنواره داریم، ولی از آنجایی که موسیقی، بزرگ دیده نمی‌شود بخش اعظمی از این ایده‌ها محقق نمی‌شود. پار سال بنای من بر این بود تا از ۱۰ هنرمند پیشکسوت تجلیل شود که این تعداد در نهایت به چهار هنرمند رسید و پیش از آن، استاد جمشید عندلایی از دنیا رفت و شده نفر. امسال می‌خواهیم بخش وفاق ملی را پررنگ‌تر کنیم و طرح و برنامه‌هایی در این زمینه داریم. نگاه این است که هنرمندان بیشتری از موسیقی دستگامی در جشنواره حضور یابند، انتظارات و گلگی‌های خود را بیان کنند تا این وفاق ملی بیش از پیش به بار بنشیند. ضمن این که اگر سند ملی موسیقی جدی‌تر گرفته و جلسات آن برگزار شود، می‌تواند ضامن اتفاقات خوب در آینده نزدیک شود.

### نظر شما درباره حضور رسانه‌ها چیست؟

پار سال پیشنهاد کردم که در جشنواره از حضور تمامی اهالی رسانه نه فقط آنهایی که از رسانه‌های رسمی هستند دعوت شود. بدون شک، هر کدام از اهالی رسانه که در مسیر نقد و بررسی و انعکاس رویدادهای جشنواره قلم بزنند مفید خواهند بود. اگر چه، مبلغ جوایز در بخش رسانه اندک است و با وجود تلاش‌هایی که سال گذشته برافزایش این مقدار داشتیم هنوز مقرر کردن چنین مبلغ اندکی برای خودم قابل قبول نیست. ولی اگر بودجه این بخش ارتقاء نیابد، دو سه رسانه محدود در گردونه تکراری این بخش، جایزه و رتبه می‌گیرند و انگیزه حضور دیگران بی رمق می‌شود و تلاش‌های دیگر اهالی رسانه مغفول می‌ماند.

و جای آن است که به این رویدادها ردیف بودجه اختصاصی تعلق بگیرد، نه این که این بودجه‌ها و حمایت‌ها حذف شوند و بگویند از بخش خصوصی کمک بگیرید. درد اینجاست که شهرداری‌ها برای جشنواره بین‌الملل موسیقی فجر بیلورد نمی‌زنند و برای سینما چنین کاری انجام می‌شود. چرا موسیقی هم چنان جزو باور اصلی نیست؟! در ماه‌های گذشته، سند موسیقی توسط رییس جمهور شهید تصویب شد و در آیین‌نامه سند آمده است که یک ماه بعد از تصویب آن، باید کار گروه تشکیل شود، اما امروز با گذشت هفت ماه، هنوز این کار گروه تشکیل نشده است...

### شما هنرمندی برخاسته از موسیقی اصیل ایرانی هستید و سال‌هاست در شاخه سنتور نوازی فعالیت مستمر دارید، این را می‌دانم که جشنواره دارای شاخه‌های مختلفی است که باید به یک اندازه به همه آنها توجه شود، اما به نظر شما چرا تا امروز و به خصوص در یک دهه اخیر، جشنواره‌های با این قدمت نتوانسته به احیاء موسیقی ایرانی کمک کند؟

بخش اول آن بر می‌گردد به بودجه؛ واقعیت این است که جشنواره موسیقی فجر از روز اول بودجه و حامی مالی خوبی نداشته است. به استثنای یکی دو دوره، که حامیانی به جشنواره آمدند که فعالیتشان مشکل ساز شد و مورد نقد بدنه حاکمیت و جامعه موسیقی قرار گرفت. در برخی از دوره‌های جشنواره در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ استادان شاخص موسیقی در جشنواره حضور یافتند و هم چنین، استادان از جهان اسلام مثل بسم‌الله‌خان که از هند به ایران آمد و کنسرتش با استقبال زیادی مواجه شد. البته ناگفته نماند که هندی‌ها بیشتر از ما توانستند در جهان موفق شوند، چون زبان دومشان انگلیسی شد و در جهان مطرح شدند. ولی وقتی ما به خارج می‌رویم نمی‌توانیم انگلیسی حرف بزنیم، و چون دفاع درستی نداریم از موسیقی قدیم ایران، بالطبع ما را شعبه عرب و ترک عثمانی می‌پندارند. در سال‌های اخیر، تشکیلی به نام «ضرب اصول» ایجاد شد که مشتمل بر هنرمندان موسیقیدان بود که دغدغه داشتند و در این جلسه فقط پرسش‌گری می‌کردند. هنرمندی در این جلسه مطرح کرد که من شهرت خود را دارم و گروه من هم شناخته شده است، اگر در جشنواره حضور یابم چه امتیازی نصیب من می‌شود؟ او مطرح کرد که برای اجرای برنامه ۴۰۰ میلیون تومان دستمزد می‌گیرد. اگر تورم را هم در نظر بگیریم، چنین دستمزدی خارج از منطق است اما ایشان تاکید کرد که عده‌ها همین است. نمونه‌ها از این دست بسیار است، حتی یادم هست یک هنرمند پیشکسوت برای تک‌نوازی نیم‌ساعته در جشنواره ۱۰۰ میلیون تومان دستمزد طلب کرد. خب! جشنواره بودجه کافی ندارد و به جای این ارقام، مبلغ پانزده تا بیست میلیون تومان را برای این گروه از هنرمندان در نظر می‌گیرد که طبعاً مورد قبول آنها هم واقع نمی‌شود و اجرا هم نمی‌کنند. پس یک موضوع، بحث حق الاجراهاست است. بحث دیگر این که تعدادی از هنرمندان از اوایل انقلاب در جشنواره مشارکت نداشتند. می‌ماند یک عده از هنرمندان که به موسیقی ملی و کلاسیک عرق دارند و در فعالیت خود جدی هستند. اما سالن کنسرت این هنرمندان خالی می‌رود، درازا، وزارتخانه‌ها هر سال به هنگام برگزاری جشنواره، خواهان دریافت بلیت کنسرت پاپ هستند. یعنی جشنواره را بیشتر یک شو می‌بینند تا رقابت، جایزه و داور. از نظر این عده، جشنواره جشنی است که فقط باید در آن پایکوبی باشد و حتی غیرمستقیم به این مسئله اشاره می‌کنند که باقی ژانرها به جز پاپ چه ضرورتی دارند؟! شعار ما در جشنواره سال گذشته به مردمی بودن تاکید داشت و حتی قیمت بلیت‌ها را به ۹۰ هزار تومان رساندیم تا طبقه متوسط بتواند به جشنواره بیاید و موسیقی پاپ را در فرهنگسرای بهمن بر گزار کردیم، جالب این که از بالای شهر هم برای خرید چنین بلیتی به این نقطه می‌آمدند و از این قیمت استقبال زیادی شد.

### این نشان می‌دهد که عامه افراد جامعه خواهان موسیقی ایرانی نیست.

به نظر تبلیغات در این زمینه ضعیف است. همان‌طور که اشاره کردم، سال گذشته بخش کودک و نوجوان را به جشنواره اضافه کردیم که با اقبال زیادی مواجه شد و حتی برخی از آموزشگاه‌ها به این نکته اشاره کردند که اگر خبردار می‌شدند حتما حضور می‌یافتند، چون ما در حال حاضر ۶۰۰ آموزشگاه فعال موسیقی در تهران داریم. مردم موسیقی ایرانی را دوست دارند و اگر تبلیغات و بودجه مناسب در این زمینه وجود داشته باشد، بر تعداد مشتاقان این موسیقی هم افزوده می‌شود. کم‌این که برای پر کردن سالن‌های ۲۰۰ نفره کنسرت موسیقی ایرانی هیچ‌وقت مشکل نداشته‌ایم. اما باید این نکته را هم پذیرفت که نه فقط در ایران بلکه در همه جای دنیا، موسیقی روز و ساده فهم بیشتر مورد قبول جامعه است.

### فکر می‌کنم با نزدیک شدن به چهلمین دوره جشنواره می‌توان به یک ارزیابی رسید که در کدام بخش‌ها توفیق

خارجی از کشورهای مختلف دعوت کردیم. بعضی از آنها به واسطه تحریم و مشکلاتی که در دو سال گذشته اتفاق افتاده بود و خارجی‌ها هم به این اتفاقات دامن زده بودند نمی‌توانستند با سفارتخانه‌ها در ارتباط باشند و شرکت کنند. در نتیجه، از ۱۲ گروه دعوت شونده، فقط حضور ۷ گروه در جشنواره امکان پذیر شد و دیگر گروه‌های حرفه‌ای خارجی از شرکت در جشنواره بازماندند. به عنوان مثال، ما گروه اتریش عراق را داشتیم که به آنها گفته شده بود اگر برای شرکت در جشنواره به ایران بروید درگیر ممنوعیت‌هایی می‌شوید. یعنی با چنین تحریم‌های سختی وجود دارد. یا زمانی که پاکستان به سیستان و بلوچستان مو شک زد، ما حضور دو کشور در جشنواره را از دست دادیم، چون آنها به اشتباه فکر کردند ایران منطقه جنگی شده! بروز چنین مسائلی به بخش بین‌الملل جشنواره ضربات زیادی وارد کرده است. در عین حال، مهم‌ترین معضل در این زمینه، کمبود بودجه است. سال گذشته پیشنهاد دادم که شرکت‌های هواپیمایی ماهان و ایران ایر که پروازهای خارجی دارند می‌توانند به حمایت مالی جشنواره بپردازند. به این شکل که مهمانان جشنواره را بیاورند و هزینه‌ها را از ما نگیرند. ما پار سال ۶۱ تومان و بودی ۶۷ تومان، تعدادی از نوازندگان خارجی را به جشنواره آوردیم، در حالی که رقم بودجه جشنواره مثل سال قبل بود. وقتی هزینه‌ها را بر آورد کردیم، سر جمع به مبلغ ۱۶ میلیارد رسیدیم که از فروش بلیت دو سال فرهنگسرای بهمن و میلاد نمایشگاه موسیقی توانستیم سر وقت با هنرمندان تسویه کنیم. در سال‌های گذشته این نگاه در سیاست‌گذاری کلان دولتی وجود داشت که اگر نوازندگان خارجی را برای حضور در جشنواره می‌آوردند، بازه زمانی کوتاه یکی دو روز را برای اقامت آنها در ایران در نظر بگیرند مبادا هزینه این اقامت زیاد شود. در صورتی که تصور می‌کنم می‌توانیم شرایط حضور این هنرمندان را گسترده‌تر کنیم و بعد از جشنواره، در شهرهای اصفهان و شیراز و رشت و اهواز هم کنسرت بدهند. همکاران ما در انجمن موسیقی و بنیاد رودکی، توانمند و حرفه‌ای هستند و قادرند به چنین اقداماتی بپردازند، پس حلقه مفقوده کجاست؟ ما می‌خواهیم چهار پنج گروه خارجی را در جشنواره دعوت کنیم که هزینه کل این گروه‌ها چیزی نزدیک به سه و نیم تا چهار میلیارد تومان می‌شود. برای تحقق بخشی به بخش بین‌الملل همین الان به ۱۰ میلیارد تومان نیاز داریم تا بتوانیم ۸ گروه برتر را به ایران بیاوریم. خاطر هست، سال گذشته می‌خواستیم از کشوری یک ارکستر مجلسی ۲۵ نفره را در جشنواره دعوت کنیم، بر اساس برآوردهایی که کردیم مخارج این گروه از عدد مورد نظر ما بالاتر زد و این امر محقق نشد. چون وقتی کنسرت این گروه‌ها در جشنواره تمام می‌شود باید در لحظه با دلار و یورو با آنها تسویه کنیم. این در حالی است که اگر مسائل بودجه‌ای در این زمینه حل می‌شد، می‌توانستیم حتی این گروه‌های خارجی را به بخش رقابتی وارد کنیم و در پایان، تندیس جشنواره یا جایزه بارید را به آنها بدهیم و به جهان بگوییم که ما چه جشنواره بزرگ و معتبری داریم. برخی از هنرمندان جوان ایرانی، چشمشان به جشنواره‌های خارجی است و حتی حاضرند ۱۰ دلار بپردازند و در سایت این جشنواره ثبت نام کنند، جشنواره‌هایی که معلوم نیست داوران آن از چه عیار علمی برخوردارند. از آن طرف وقتی این هنرمندان برگزیده نفر دوم یا سوم می‌شوند، این خبر با اشتیاق در خبر گزارهای داخلی ما انعکاس می‌یابد. اما اصل قضیه این است که اجرا و پارتیتور فلان هنرمند ایرانی قبلاً در چندین جشنواره داخلی یارده شده و یا جایگاهی نداشته به هر دلیل حالا در این جشنواره‌ها، مقام سوم را به دست آورده است! در حالی که اگر وزارت علوم و هنرستان‌ها بپذیرند که وقتی ما به برگزیدگان جشنواره دیپلم افتخار می‌دهیم، این مدرک می‌تواند آنها را بدون کنکور سر کلاس‌های دانشگاه بنشانند، نگاه‌ها از جشنواره‌های بی‌نام و نشان خارجی برداشته می‌شود. همان‌طور که امروز در المپیادهای ورزشی چنین اتفاقی می‌افتد و ورزشکاران برنده می‌توانند بدون کنکور به دانشگاه بروند. اعتقاد دارم که بخش بین‌الملل می‌تواند چابک‌تر از این‌ها باشد و حتی بتوانیم از حضور داوران بین‌الملل در کنار داوران خودمان بهره بگیریم. کم‌این که سال گذشته دو داور از کشورهای روسیه و آلمان داشتیم که چون نتوانستند در جشنواره حضور یابند از طریق ویدئویی با ما بودند و اگر هزینه‌های اقامت و دستمزد آنها را تقبل می‌کردیم می‌توانستند حضوری به داوری بپردازند.

### به همین خاطر است که برخی شرایط موسیقی را با فوتبال مقایسه می‌کنند.

همین‌طور است. مگر موسیقی ما چه چیزی کم از فوتبال دارد که یک مربی ورزشکته مسن را از خارج می‌آورد و میلیاردی خرج می‌کند و دست آخر هم قهرمی کند و می‌رود. و ما هنوز نمی‌توانیم برای بخش بین‌الملل موسیقی فجر چنین بودجه‌ای را در نظر بگیریم. پار سال گفتم و امسال هم دوباره تاکید می‌کنم که جشنواره‌هایی که در قامت بین‌الملل هستند برای حاکمیت و مردم اهمیت ویژه‌ای دارند